

بلکه سخی بحقیقت انکس است که بدل مال نه از برای غرض کند
بلکه برای آنکه بخودت شریف است و لذتهای مطلوب
و اگر سخی ازین چیزی دیگر و غیره قصد او باشد مانند
و بالعرض تواند بود چنانچه در افعال الله اشارتی باطنی
و اما در شجاعت افعال شجیه بآن از غیر شجاعت صادر
شود چون جمعی که بچشمهای خطرناک و کارهای هولناک
قیام نمایند از جهت طلب مال و جاه یا غیر آن و با
بر آن محض بر آن مطلوب باشند بلکه شجاعت چون
عقاید آن که تحمل ضرب شدید و خیس بدین قیل و قیال
نمایند تا نام ایشان در میان انبای جنس که در دنیا
با ایشان نشد بکند مانند کسی که برای دفع عار اقارب
و اخوان یا خوف سلطان یا نظایر آن اقدام بر آن افعال
نماید یا آنکه مکر را بطریق اتفاق مظهر شده باشد بآن مکر
شده و این طوایف شجاع نباشند بلکه شجاع بحقیقت

لی

کمی است که هدف سهام قصد او هم از این ملک باشد
نباشد بر قیاس پس آنچه در دیگر ملکات متین نیست
و اما افعال سباع چون شیر و غیر آن اگر چه شجیه است
بشجیه خود از وجه مباین آنست که ای انکس ایشان غلبه
و تقوی خود و تقوی دارند و بالطبع شجاعت علیهم السلام
ایشان بر آن بطبیعت غلبه و قدرت است بر طبیعت شجاعت
و دیگر آنکه مثل ایشان غالباً در مقاومت مثل مبارزی قوی
تمام صلاح است که با صیغی عاجز محاربت نماید مثل این
داخل افعال شجیه نیست و دیگر آنکه آنکه ملک فضا نیست
که آن عقل است تا تمام توی مطیع و نقاد او شوند در ایشان
تقوا است و شجاع بحقیقت کسی باشد که افعال شجاعت
بفرضی حکم عقل از و صادر شود و غرض اصلی او نفس فضا
باشد و مرایه خدا و از ارتکاب امری متعذر نماند و از خدا
باشد از انحراف حیات و قتل جمیل نزد او از حیات مذکور